

1st Exam Session - Unit 1 (T3) – The way we are

Study Guide – ALB – Grade 10

Part 1: Vocabulary List – Lesson A and B

No	Word	Meaning
1	Hurry	عجله داشتن
2	Walk down	به سمت پایین رفتن
3	Enjoy	لذت بردن
4	Quickly	سریعا
5	Slowly	به طور آهسته
6	Miss	از دست دادن
7	Attend	حضور یافتن
8	Event	مناسبت/ اتفاق
9	Recklessly	با بی پروایی
10	Honk the horn	آرنگ زدن/ بوق زدن
11	Delay	به تعویق افتادن
12	Seriously	جدا/ جدی
13	Impatient	بی صبر/ عجول
14	Complain	شکایت کردن
15	Counter	پیشخوان/ میز تسویه حساب
16	Patiently	با صبرانه
17	Interrupt	قطع کردن/ میان حرف کسی پریدن
18	Quietly	به گونه ای آرام
19	Strongly	به شدت/ به طور قوی
20	Stressed	تحت فشار
21	Assignment	کارخانگی
22	Tight	نزدیک
23	Deadline	آخرین مهلت
24	Properly	به درستی/ به طور درست
25	Personality	شخصیت (کلی)
26	Character	شخصیت (اخلاق یا رفتار)
27	Admire	تحسین کردن

28	Incredibly	به طرز باور نکردنی/ فوق العاده
29	Talented	با استعداد
30	Creative	خلاق
31	Sense of humor	شوخ طبعی
32	Disorganized	نامرتب
33	Forget	فراموش کردن
34	Absolutely	قطعا
35	Competitive	اهل رقابت
36	Arrogant	خودخواه/ متکبر
37	Outgoing	اجتماعی/ برونگرا
38	Unfriendly	کم محبت/ غیر دوستانه
39	Shy	خجالتی
40	Easygoing	آسان گیر/ راحت طلب
41	Laid-back	خونسرد
42	Practical	واقع بین/ عمل گرا
43	Honest	صادق
44	Helpful	مفید
45	Generous	بخشنده
46	Selfish	خود محور/ خود خواه
47	Reliable	قابل اعتماد

Part 2: Sentences – Lesson A and B

No	Sentence	Meaning
1	Take this quiz to find out.	این امتحان را بگیرید تا بفهمید.
2	I enjoy walk and look at the things and people around me.	من از قدم زدن و نگاه کردن به مردم و چیزهای اطرافم لذت میبرم.
3	I eat quickly so that I can get back to my work.	من سریع غذا میخورم چونکه میتوانم دوباره برگردم سرکار.
4	When there is a family event, I often have to miss it because I have too much to do.	وقتی که یک مهمانی یا دورهمی خانوادگی است, بیشتر اوقات از دستم میروند چونکه کارهای زیادی برای انجام دادن دارم.
5	I try to plan my time well so that I can attend the event.	من کوشش میکنم تا وقتم را مدیریت کنم که بتوانم در مهمانی ها حاضر شوم.

6	I honk my horn a lot. I get mad easily in bad traffic.	من زیاد بوق میزنم/ آرنگ میکنم و خیلی زود هم در ترافیک بد عصبانی میشوم.
7	I automatically slow down and try to drive carefully.	من به طور خودکار سرعت را پایین آورده و تلاش میکنم تا با دقت رانندگی کنم.
8	I get impatient and complain to the people behind the counter.	من زود بی صبر شده و به مردمی که پشت پیشخوان هستند شکایت میکنم.
9	I sometimes interrupt them to finish their sentences.	من بعضی اوقات مزاحمت میکنم تا جملات شان را تمام کنند.
10	I listen quietly and wait for them to finish before I talk.	من آهسته گوش میدهم و صبر میکنم که آنها صحبت شان را تمام کنند قبل از اینکه خودم صحبت کنم.
11	I wait patiently. I read something or make a few phone calls.	من با صبرانه منتظر میمانم. چیزی میخوانم یا چند تا زنگ میزنم.
12	I take the game seriously and I feel very bad if I lose.	من بازی را خیلی جدی میگیرم و احساس بدی دارم اگر ببازم.
13	I think it's better to win than lose, but I don't feel strongly about it.	من فکر میکنم که بهتر است برنده شوی تا ببازی اما زیاد هم در موردش احساس قوی ندارم.
14	I get very stressed – I hate it when I don't have time to do a job properly.	من هیجانزده میشوم – متنفرم از اینکه زمان کافی برای درست انجام دادن کاری نداشته باشم.
15	I work hard to do the best I can the time I have.	من تلاش میکنم تا از زمانی که دارم به خوبی استفاده کنم.
16	She's incredibly talented and creative.	او به طور غیر قابل باوری با استعداد و خلاق است.
17	And she has a great sense of humor.	و او حس شوخ طبعی خوبی دارد.
18	She's pretty organized, though.	اما خیلی مرتب و منظم است.
19	She forgets something almost every class, but her classes are absolutely wonderful.	او در هر صنفش چیزی را فراموش میکند اما صنف هایش قطعاً فوق العاده هستند.
20	He's extremely competitive, but when he wins, he's not arrogant like some of the other guys.	او به شدت رقابتی است اما وقتی برنده میشود مثل اشخاص دیگر مغرور نمیشود.
21	I can trust what he says.	من میتوانم به چیزی که او میگوید اعتماد کنم.

Part 3: Grammar – Lesson A

Adjectives vs. manner adverbs

Adjectives: They describe a noun.

Structure:

- Adjective + noun
- Be + adjective

Examples:

1. *She is a fantastic teacher for us.*
2. *They were really shy and uncomfortable.*
3. *That nice book is mine.*
4. *Those old materials over there are his.*
5. *Sina seems to be a good boy.*
6. *Ali is great.*

Manner Adverbs: They describe how an action happens.

Structure:

- Verb + adverb

Examples:

1. *She speaks slowly.*
2. *I wait patiently in lines.*
3. *He doesn't sing very well.*
4. *She drives carefully.*
5. *I hate it when I don't have time to do a job properly.*
6. *I get mad easily in bad traffic.*

Grammar – Lesson B

Adverbs before adjectives and adverbs: some adverb come before adjectives or other adverbs to make them stronger or weaker.

Structure:

- Adverb + adjective
- Adverb + adverb

Examples:

1. *She's incredibly talented.*
2. *She's extremely generous.*
3. *He's a really cool guy.*
4. *We get along very well.*
5. *He's pretty easygoing.*
6. *He's completely honest.*
7. *She's totally reliable.*

Part 4: Vocabulary List – Lesson C and D

<i>No</i>	<i>Word</i>	<i>Meaning</i>
1	Waste	ضایع کردن
2	Get along	کنار آمدن
3	Seem	به نظر رسیدن
4	Smile	لبخند
5	Disturb	مزاحمت کردن
6	Drive crazy	دیوانه کردن
7	Pleasant	خوشحال
8	Criticize	انتقاد کردن
9	At least	حداقل
10	Major	رشته تحصیلی
11	Dream	رویا دیدن
12	Raise	بزرگ شدن
13	Culture	فرهنگ
14	Inherit	به ارث بردن
15	Conscious	آگاه
16	Impeccable	بی عیب و نقص
17	Fluently	روان
18	Adventurous	پر ماجرا
19	Volunteer	داوطلب
20	Disadvantaged	محروم
21	Reward	پاداش دادن
22	Down-to-earth	واقع بین
23	Environmentalist	طرفدار حفظ منابع طبیعی
24	Recipes	دستورالعمل
25	Diverse	متنوع/مختلف
26	Introverted	درونگرا
27	Opportunities	فرصت ها

Part 5: Sentences – Lesson C and D

No	Sentence	Meaning
1	My dream is to create incredibly beautiful clothes for women all over the world.	رویای من درست کردن لباس های فوقالعاده زیبا برای زنان سراسر دنیاست.
2	I inherited my mother's love of fashion.	من عشق به فشن را از مادرم به ارث بردم.
3	During the summer, I volunteer at a camp for disadvantaged children.	در طول تابستان، من در یک کمپ که برای کودکان محروم است داوطلب میشوم.
4	I'm an accomplished accordion player.	من یک نوازنده ماهر آکاردئون (اله موسیقی) هستم.
5	The teachers are extremely supportive.	معلم ها به شدت حمایتی هستند.
6	I'm too humble about my talents.	من در مورد استعداد هایم بیش از حد فروتن هستم.
7	I can be pretty shy and introverted and studying online feels safe somehow.	من خیلی خجالتی و درونگرا هستم پس درس خواندن به صورت آنلاین میتواند برایم خوب باشد تا جایی.
8	What's your worst habit?	بدترین عادت تان چیست؟
9	I'm always doing something. I find it hard to relax.	من همیشه در حال انجام کاری هستم. استراحت کردن و یکجا نشستن برایم سخت است.